در جستجوی عدالت گریزپا

یاسری، علی

مهم‏ترین بحثی که در اجلاس اخیر صندوق بین المللی‏ پول و بانک جهانی(15 تا 20 سپتامبر 2006)در سنگاپور مطرح شد افزایش اندک و جزیی در سهمیه حق عضویت‏ و حق رای چهار کشور چین،کره جنوبی،مکزیک و ترکیه‏ بود.مقامات صندوق و بانک جهانی استدلال می‏کنند که‏ سهمیه این چهار کشور مهم جهان به هیچ‏وجه متناسب با قدرت کنونی اقتصاد آنها نیست و باید افزایش یابد.

سهمیه کشورهای عضو صندوق بین المللی پول هم‏ تعیین‏کننده قدرت رای آن‏ها در تصمیم‏گیری‏های این‏ نهاد بین المللی است و هم تعیین‏کننده حداکثر وامی است‏ که می‏توانند با شرایط ترجیحی از این سازمان دریافت‏ کنند.در عین حال میزان و توزیع حق برداشت مخصوص‏ هم تابعی از سهمیه کشورهاست.

افزایشی که برای کشورهای مذکور در نظر گرفته شده، سهمیه و لذا قدرت رای و همچنین میزان دسترسی آن‏ها را به منابع مالی صندوق را تنها اندکی افزایش می‏دهد.به‏ این ترتیب سهمیه چین 27/1 درصد،کره‏جنوبی 79/1 درصد،مکزیک 22/1 و ترکیه 23/1 درصد افزایش‏ خواهد یافت.این افزایش باعث می‏شود سهم نسبی آراء سایر کشورهای در حال توسعه اندکی کاهش یابد.برای‏ مثال سهم نسبی ایران از کل سهمیه‏ها از 70 درصد به 68 درصد تنزل می‏کند.

کشورهایی نظیر آرژانتین،ونزوئلا،برزیل و هند با این‏ اصلاحات‏"نیم‏بند"مخالفت کردند.ایران و مصر و کشورهای متعدد دیگری نیز اساسا با این اصلاحات موافق‏ نیستند،زیرا این کار بدون داشتن هیچ تاثیر مهمی بر گروه‏بندی کشورها از نظر قدرت رای‏دهی،تنها این تصور را در اذهان عمومی ایجاد می‏کند که گویا اصلاحات‏ اساسی در این دو موسسه مهم بین المللی صورت گرفته‏ است.این در حالی است که کشورهای اروپایی،ژاپن و آمریکا و چند کشور صنعتی دیگر،بیشتر از نیمی از سهمیه‏ها و لذا نیمی از کل آرا را در اختیار دارند و بنا بر این می‏توانند کماکان هر پیشنهاد سازنده کشورهای در حال توسعه را "وتو"کنند و در نتیجه همچنان کنترل و هدایت این دو سازمان را در اختیار داشته باشند.

جدول(1)موقعیت چهار کشور یاد شده را نشان می‏دهد.

 ماخذ:صندوق بین المللی پول‏

اجلاس صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بدون بحثی مهم برگزار شد در جست و جوی عدالت گریزپا

علی یاسری‏ در مجموع،کل سهمیه‏های صندوق ین المللی پول که‏ از حق عضویت 184 کشور جهان حاصل شده است،از 48/213 میلیارد حق برداشت مخصوص کنونی(یک حق‏ برداشت مخصوص اکنون حدود 49/1 دلار آمریکا است)، به میزان 8/3 میلیارد 8/1 درصد افزایش خواهد یافت و به‏ حدود 217 میلیارد واحد حق برداشت مخصوص خواهد رسید.در بانک جهانی،سهمیه‏ها سرمایه نام دارد،ولی هر دو تابعی از توانایی اقتصادی کشورهاست که با معیارهایی‏ همچون ذخایر ارزی،درآمد ملی،صادرات و غیره سنجیده‏ می‏شود.هر کشوری که بنیه اقتصادی قوی‏تری دارد، سهمیه،سرمایه و لذا حق رای آن کشور هم در فرآیند تصمیم‏گیری این سازمان‏ها بیشتر خواهد بود.

عدالت در تصمیم‏گیری؟

کشورهای در حال توسعه جهان که صدای‏شان در صندوق حتی اگر رسا و بلند هم باشد،در خارج از این‏ نهاد به سختی شنیده می‏شود،همیشه خواهان سهمیه و حق رای بیشتری در این موسسات بین المللی بوده‏اند. اگر آنان چنین نکنند باید کماکان تابع سیاست‏های‏ کشورهای صنعتی غرب باشند که با ظرافت خاصی از طریق بانک جهانی و صندوق به آنها تحمیل می‏شود. مخصوصا بسیاری از کشورهای فقیر آفریقایی که از دسترسی به بازارهای وام و سرمایه جهان به دلیل عدم بنیه‏ مالی کافی و لذا موقعیت اعتباری ضعیف،محرومند،به‏ ناچار به صندوق و بانک جهانی به عنوان آخرین مرجع‏ اعطای وام مراجعه می‏کنند.این کشورها در قبال دریافت‏ وامی که به آن نیاز مبرم دارند،باید به اجبار سیاست‏های‏ تجویز شده از سوی کشورهای غربی را که توسط صندوق‏ و بانک جهانی به آنها دیکته می‏شود،اجرا کنند.دسته دیگر کشورهای شدیدا بدهکار نظیر برزیل و آرژانتین،مصر و ترکیه هستند که به همین سرنوشت دچارند.همه به خاطر دارند که چند سال پیش آرژانتین،پس از اجرای برنامه‏های‏ اقتصادی سازمان‏های بین المللی،با بحران اقتصادی عظیمی مواجه شد.بحران مالی سال 1997 کشورهای‏ جنوب شرق آسیا نیز که بعد از اجرای برنامه‏های اقتصادی‏ سازمان‏های مذکور ایجاد شد هنوز از خاطرها زدوده نشده‏ است.

پیشنهاد و خواسته‏ها کشورهای در حال توسعه که از نظر تعداد دارای اکثریت مطلق در سازمان‏های بین المللی‏ هستند این است که سهمیه آن‏ها و به تبع آن قدرت‏ رای‏شان در سازمان‏های اقتصادی بین المللی افزایش‏ باید تا از آراء کافی در جلسات هیات مدیره برخوردار باشند و بتوانند بر اقدامات این سازمان‏ها لااقل تا حدودی‏ تاثیر بگذارند؛پیشنهادی که در شصت سال گذشته،یعنی‏ از آغاز کار این نهادهای مهم بین المللی تاکنون،گوش‏ شنوایی نیافته است.اصلاحاتی از این قبیل که تا به حال‏ صورت گرفته کاملا جنبه صوری و نمادین داشته است. مثلا چند سال پیش سهمیه عربستان سعودی به همراه‏ آراء این کشور در صندوق و بانک جهانی افزایش یافت‏ و دلیل این بود که این کشور بالغ زیادی به عنوان کمک‏ در اختیار سازمان‏های بین المللی قرار داده است.قبل از آن در اوایل دهه 1970 میلادی سهمیه و آرا ایران به واسطه‏ افزایش صادرات نفت کشور به طور جداگانه و خارج از برنامه عمومی افزایش سهمیه تمام کشورها که هر پنج‏ سال یک‏بار صورت می‏گیرد.بالا رفت و همین افزایش‏ باعث شد ایران صاحب یک کرسی انتخابی در هیات‏ مدیره صندوق شود.ایران این کرسی را هنوز در اختیار دارد.در عین حال هیچ اصلاحات مقبول و موثر دیگری‏

جدول 2-سهمیه کشورهای منتخب در صندوق بین المللی پول

ارقام به میلیارد حق برداشت مخصوص و درصد ماخذ:صندوق بین المللی پول‏ تا حال صورت نگرفته است.

کشورهای غربی استدلال می‏کنند که چون به دلیل‏ اقتصاد قوی‏تر و لذا سهمیه و آرا بیشتر منابع مالی زیادتری‏ را در اختیار سازمان‏های بین المللی قرار داده‏اند و این‏ در واقع منابع مالی آن‏هاست که صرف اعطای کمک به‏ کشورهای نیازمند می‏شود،لذا باید کنترل و نظارت لازم‏ را بر موسسات بین المللی داشته باشند تا بتوانند موارد مصرف منابع مالی خود را زیر نظر بگیرند.ولی آیا ثروتمند و قدرتمند بودن چند کشور انگشت‏شمار و تسلط مالی آن‏ها بر منابع سازمان‏های جهانی،در حالی‏ که اکثر کشورها دچار ناتوانی مالی و اقتصادی هستند، عدالت گریزپا را قربانی نمی‏کند؟

همان‏طور که از جدول شماره 2 استنباط می‏شود،هفت‏ کشور صنعتی جهان که در واقع همان هفت کشور انتهای‏ جدول 2 هستند،حدود 46 درصد از کل سهمیه‏ها را در اختیار دارند.اگر کشور کانادا(3 درصد)و کشورهایی‏ نظیر هلند،بلژیک،ایرلند و سایر کشورهای اروپایی و همچنین استرالیا و زلاندنو را به آنها اضافه کنیم،آراء کشورهای مذکور نزدیک به 60 درصد کل آرا می‏شود که رقمی تعیین‏کننده است.

باید در نظر داشت که تمام تصمیمات مهم در صندوق‏ بین المللی پول با اکثریت 70 و 85 درصدی کل آرا گرفته‏ می‏شود و لذا کشورهای در حال توسعه هرگز نمی‏توانند بدون موافقت و تایید کشورهای غربی پیشنهادی را به‏ کرسی بنشانند.سئوال مهم این است که در دنیای پر رمز و راز و پرتنش و تلاطم امروزی آیا می‏توان از سازمان‏های بین المللی توقع عدالت و انصاف‏ داشت؟

سایر موضوعات مطروحه

علاوه بر اصلاحات در آرا چهار کشور موصوف،موضوعات دیگری هم در اجلاس‏ اخیر مطرح شد که بیشتر جنبه تکرار دارد و در 30 سال اخیر پیوسته مکرر شده است،بدون آن‏ که نتیجه ملموسی از آن عاید شود.

کسری حساب جاری موازنه پرداخت‏های‏ آمریکا و کسری بودجه این کشور اکنون به رقمی‏ نجومی رسیده است،چندان که صندوق و بانک‏ جهانی همه ساله به این کسری‏ها به طور تلویحی‏ و تحت عنوان‏"لزوم کاهش عدم توازن‏های‏ بین المللی‏"اشاره می‏کنند.در اجلاس امسال نیز به این عدم توازن اشاره و عنوان شد که پس‏انداز ملی در آمریکا باید افزایش یابد.

برای اروپا توصیه این بود که رشد اقتصادی افزایش‏ یابد،در حالی که ژاپن باید کماکان اصلاحات ساختاری‏ را که شامل کسری بودجه است،ادامه دهد.در کشورهای آسیایی با اقتصادهای نوظهور مثل چین،کره‏ جنوبی،مالزی،سنگاپور و هنگ‏کنگ و غیره تقاضای‏ داخلی باید تقویت شود.سیاست نرخ ارز نیز باید از انعطاف بیشتری برخوردار گردد،بدین‏معنی که نرخ ارز باید شناور شود.

در اجلاس گفته شد چون چند سال است رشد اقتصادی‏ جهان در سطح مطلوبی قرار دارد،اولویت سیاست‏های‏ مبارزه با تورم باید کماکان حفظ شود و کشورهای در حال توسعه اثبات سیاست‏های اقتصاد کلان،تقویت‏ بنیان‏هالی مالی دستگاه‏های دولتی و تجهیز منابع مالی‏ داخلی را ادامه دهند.

کشورهای کمک‏دهنده باید به تعهدات چندین ساله‏ خود در ارتباط با افزایش کمک‏های مالی به کشورهای‏ فقیر تا حد 7/0 درصد درآمد ملی خود،گردن نهند.

آزادسازی بیشتر تجاری و ادامه مذاکرات تجاری‏"دور دوحه‏"از دیگر توصیه‏های نشست صندوق و بانک‏ جهانی بود.بانک جهانی در راستای مدیریت بهینه، کماکان خواستار کاهش فساد مالی در کشورهای‏ کمک‏پذیر است.البته این اقدام دخالت در امور داخلی‏ کشورها تلقی شده و موجبات نارضایتی کشورهای‏ کمک‏پذیر و هم کمک‏کننده را فراهم آورده است.

در یک نگاه منصفانه البته نباید فقط جوانب منفی این‏ نهادهای بین المللی را در نظر گرفت.مانند بیشتر موارد موجود در جهان،هر امری نکات مثبت و منفی را توأمان‏ دارد.از موارد مثبت این اجلاس‏ها،ملاقات‏ها و تبادل نظرهای مقامات اقتصادی و بانکی کشورها با یکدیگر در حاشیه اجلاس،بررسی و آگاهی از روند اقتصادی جهان،اخذ وام‏های با شرایط آسان و چانه‏زدن‏ در مورد شرایط پیشنهادی متصل به وام‏ها و تقویت جبهه‏ کشورهای در حال توسعه در این نهادها و در روند جهانی‏سازی است.بدون تردید صندوق بین المللی پول‏ و بانک جهانی(به همراه سازمان تجارت جهانی) مهم‏ترین ارکان نهضت جهانی‏سازی هستند.حضور مستمر و مؤثر کشورها در این اجلاس و سایر اجلاس‏های مشابه،اطلاعات فراوانی را در مورد مسیر و روند جهانی‏سازی در اختیار کشورهای در حال توسعه‏ می‏گذارد.امری که باید آن را مغتنم شمرد زیرا به هرحال‏ جهانی‏سازی موافقان و مخالفان خود را دارد و لذا آگاهی‏ در این موارد بسیار حائز اهمیت است تا تصمیمی به‏ نادرست اتخاذ نشود.

نشست آینده این دو نهاد مالی مهم بین المللی در بهار سال 2007 در شهر واشینگتن خواهد بود.